



## امروز شما



**مهر**

هر چیزی را که می‌شوی نباید باور کنی. با این روش به کسی ظلم خواهی کرد که تو را صمیمانه دوست دارد و می‌خواهد به دور از همه جاروجنجالها، زندگی تازه‌ای را آغاز کرد.

**آبان**

به صداقت فکر کنی و صادق باشی. افکار منفی شما بجز این که روابط شما را سست و ضعیف کند هیچ‌چیز دیگری ندارد و این همه حقیقت است. تا روز خیانت زمان زیادی مانده و لازم است از حالا به فکر آن باشی.

**آذر**

دوباره عشق و دوستی رونق تازه‌ای می‌گیرد. پس از یک دوره سردی دو دوست یا همسر مثل آینه است که اگر لکه‌ای بر آن افتاد، باید فوراً آن را برطرف کرد.

**دی**

عشق یک طرفه زیان‌آور خواهد بود. این عشق می‌تواند مدت‌ها ادامه داشته باشد بدون اینکه به تغییری یا تحولی منجر شود. بهتر است که مهربانی و عشق دو طرفه باشد تا تغییر ایجاد کند.

**بهمن**

مشکلات زیادی در این راه وجود دارد و با مخالفت اطرافیان مواجه می‌شوی. بهتر است به فکر چاره باشی و یا از خیرش بگذری.

**اسفند**

عشق، تفکر و اندیشه‌ها را تسخیر کرده است. برای همین نمی‌توانی به چیزهای دیگری فکر کنی. باید از احساسات و عواطف کم کنی و واقعیت‌ها را در نظر بگیری تا آسیبی به تو نرسد.

**فروردین**

در روابط عاطفی خود باید به دنبال آرامش و عشق بود. در پناه یک همسر و یا دوست خوب باید پوست انداخت و زندگی تازه‌ای را آغاز کرد.

**اردیبهشت**

درباره کسی که دوستش داری نباید اینقدر ایهام و تردید داشت. اگر عشق در مسیری روشن و شفاف حرکت کند همه این ایهام‌ها برطرف خواهد شد و روز به روز به شناخت‌های بهتری خواهی رسید.

**خرداد**

اختلافی با دوست یا همسرت پیش می‌آید که باید با خوشحنداری و رابطه علاقمندی آن را برطرف کنی. رابطه دو دوست یا همسر مثل آینه است که اگر لکه‌ای بر آن افتاد، باید فوراً آن را برطرف کرد.

**تیر**

عشق یک طرفه زیان‌آور خواهد بود. این عشق می‌تواند مدت‌ها ادامه داشته باشد بدون اینکه به تغییری یا تحولی منجر شود. بهتر است که مهربانی و عشق دو طرفه باشد تا تغییر ایجاد کند.

**مرداد**

می‌گویی او را دوست داری اما هرگز این دوست داشتن را ابراز نمی‌کنی. این دوست داشتن باید از طریق اشیاء یا کارهایی که قابل لمس باشند، ابراز شود تا تأثیر داشته باشد.

**شهریور**

از تحریک کردن احساسات دوست و یا همسرت باید پرهیزی. او به آرامش احتیاج دارد. بهتر است با کسی که تجربه بیشتری دارد مشورت کنی.



## بالاخره فیلم‌ها تمام می‌شوند یا سینما!؟



از کلیات بگذریم و کمی جزئی‌تر نگاه کنیم و عواملی که سینما را به این روز انداخته است. در دو، سه سال اخیر بحران زیاد داشتیم از جمله کرونا که همچنان هست و ظاهراً به این سادگی‌ها دست بردار نیست. کرونا عامل مهمی بود. تجمع را به هم زد و ساختارها را تحت‌تأثیر قرار داد. معاشرت‌ها را کمرنگ کرد و میل و رغبت‌ها را کاهش داد. روی تمام شئون زندگی اجتماعی تأثیر گذاشت. در نتیجه ترکش‌هایش به سینما هم رسید چون سینما با حضور جمعیت در سالن معنا پیدا می‌کرد. پس بدون تعارف باید کرونا و پیامدهای بعدی‌اش را جدی بگیریم. مسئله پیچیده است چون کرونا از بین هم که برود عادت‌هایی که طی این مدت از بین برده دیگر برنمی‌گردد. توجه داشته باشیم که عادت سینما رفتن بعد از کرونا کم رنگ شده. دیگر سینما رفتن آن آیین و تشریفات سابق را ندارد؛ لباس پوشیدن، قرار گذاشتن، صف کشیدن برای خرید بلیت، خوردن ساندویچ و نوشابه و این حرف‌ها که قبلاً یک شب ویژه را برای تماشاگر سینما می‌ساخت و به مرور بی‌رنگ شد و از بین رفت.

مورد بعدی که نمی‌شود نادیده‌اش گرفت بحث اقتصاد است. اوضاع در هیچ جای دنیا جالب نیست ولی طبق معمول برای ما بدتر است. از قدیم سینما ارزان‌ترین سرگرمی ممکن برای مردم بود اما همین سرگرمی ارزان و فراگیر هم الان تبدیل شده به تفریح گران. فاکتور جیب خالی جواب نمی‌دهد. ساده‌تر اگر صحبت کنیم باید در نظر داشت که حال و حوصله چندانی هم برای مردم باقی نمانده که برای تفریح به سینما بروند چون یاد گرفته‌ایم همه چیز را در همان خانه حل و فصل کنیم.

مورد بعدی که نباید از قلم انداخت تکنولوژی است. قلم انداخت تکنولوژی تمام مظاهر زندگی را عوض کرده. در دورانی که یک جوان هر جای دنیا هر شب روی موبایل می‌تواند سه تا فیلم تماشا کند معنای سینما عوض می‌شود. ماهواره، اینترنت، تلویزیون و گوشی‌های هوشمند وارد زندگی ما شده و جا را برای سینما تنگ کرده‌اند. به جای تحمل شلوغی و هزینه کردن برای تاکسی یا با زیرنویس یا دوبله، با سانسور یا بی‌سانسور تماشا می‌کنید.

در خانه، تلویزیون بیشتر از یک یا دو متر یا شما فاصله ندارد. انواع و اقسام شبکه‌های ماهواره‌ای و سرویس‌های استریم هم در دسترس دارید و صبح تا شب چیزهای مختلفی را می‌بینید که الزاماً دیگر فیلم نیستند. برای همین سریال و سریال‌بینی این روزها جای سینما و تماشای فیلم در قالب نود یا صد دقیقه را برای مردم پر کرده و در نتیجه مشتری‌های سریال‌سازی زیاد شدند.

از وقتی «کرونا» سبک زندگی، کار و حتی تفریح آدم‌ها را تغییر داد، یکی از پرکارترین بحث‌ها در عالم سینما «آداب سینما رفتن» بوده آدابی که به نظر می‌رسد در کشور ما بیشتر تحت‌تأثیر شرایط قرار گرفته و اگرچه این روزها یک فیلم کم‌دی با استقبال قابل توجه مردم روبرو شده اما معیار دقیقی برای سنجش تغییر نکردن آداب فیلم دیدن در سینما نیست. این مسئله نگرانی‌هایی را برای عده‌ای از صاحب‌نظران ایجاد کرده اما در عین حال امیدواری‌هایی نیز نسبت به ادامه «سینما» مطرح می‌شود.

به گزارش ایسنا، سال گذشته در چنین روزهایی سایه شوم کرونا دور نشده بود و سینما در جایگاه یکی از نخستین حرفه‌هایی که بخاطر شیوع ویروس تعطیل شده، هنوز نتوانسته بود قد راست کند. وقتی هم بارقه‌های امید از تابستان بر سر سینما تابیدن گرفت بروز اتفاقات تلخ در جامعه همه معادلات را بر هم زد و یک باره همه چیز به سر خط سکوت و سکون رسید.

اما از نوروز امسال که اوضاع کمی تغییر کرده و گیشه سینما جانی تازه گرفته، امیدها برای بهبود اوضاع هم بیشتر شده است چون جدا از شرایط روحی جامعه، بعد از رونق پلتفرم‌های اینترنتی و کوچ سینماگران به این پلتفرم‌ها و اوج گرفتن سریال‌سازی، نگرانی‌هایی دیگری برای سرنوشت سینما، سالن‌های سینما و تغییر ذائقه مخاطب به وجود آمد. این نگرانی همچنان میان بسیاری از اهل فن در سینما بیان می‌شود ولی یکی از منتقدان سینما نگاهی امیدوارانه نسبت به این ماجرا دارد.

خسرو دهقان اخیراً یادداشتی را در مجله دنیای تصویر به نگارش درآورده که با توجه به طرح بسیاری از این دغدغه‌ها در گزارش‌های پیشین ایسنا، این یادداشت در اینجا بازنشر می‌شود. دهقان در این متن با عنوان «شاید فیلم‌ها تمام شوند اما سینما ادامه دارد...» نوشته است:

«وقتی درباره گیر و گورهای سینما در سال‌های اخیر صحبت می‌کنیم، باید این واقعیت را در نظر بگیریم که ریشه خیلی از مشکلات به مسائل فراتر از سینما برمی‌گردد و بعد اینکه قدمتش بیش از یک سال، دو سال و ۱۰ سال است. نباید فراموش کنیم که سینمای ایران در تاریخ ۱۲۰ ساله‌اش با عیب و ایرادهای زیادی همراه بوده. خوشبختانه یا بدبختانه بخشی از مشکلات مختص به ما نیست و کلاً پدیده سینما شده. سطح جهان با دردمس مواجه شده. قطعاً تعریفی که امروز از سینما وجود دارد و استقبال مردم از فیلم‌ها در سالن‌های سینما را نمی‌توانیم با ده، بیست و سی سال قبل مقایسه کنیم. البته مشکلات در کشور ما رنگ و بوی دیگری هم به خودش می‌گیرد و پیچیدگی‌های بیشتری پیدا می‌کند ولی در واقعیت نه! به بن‌بست رسیدن سینما را نمی‌شود به جغرافیا محدود کرد.»

## بالاپوشی در معرض انقراض



او افزود: در قدیم از سکه‌های نقره و طلا و مرواریدهایی که دور آن را با نقره و آلیاژهایی دیگر درست می‌کردند، برای تزئین سخمه استفاده می‌شد. همچنین از پراقای زری و نوارهای طرح‌دار برای تزئین آن استفاده می‌کردند. آویزهایی به شکل صدف که معمولاً نقره بود در اطراف «سخمه» دوخته می‌شد. رنگ مخمل این لباس معمولاً قرمز و سبز بود و هر چه سن زنان بیشتر می‌شد رنگ تیره‌تر، مثلاً مشکی، استفاده می‌کردند و دختران بیشتر سخمه‌هایی به رنگ قرمز بر تن می‌کردند.

آتش‌بار همچنین گفت: روی سخمه دو جیب نسبتاً بزرگ و مربعی شکل می‌دوزند که روی جیب هم از آویزها و سکه‌ها، که پول‌های قدیمی (قروش) و شاهی و یا ریال است، استفاده می‌کردند. نظم خاصی که در دوخت این سکه‌ها به کار رفته، زیبایی این لباس را بیشتر کرده است. هر چه پولادتر و متمول‌تر و یا به‌قول معروف دولتمندتر بوده‌اند، سکه‌های بیشتری را روی آن می‌دوختند. در داخل سخمه و روی سینه و قسمت پایین هم دو جیب دیگر دوخته می‌شد. در گذشته تازه عروس‌ها سکه‌های کادویی را به روی سخمه خود آویزان می‌کردند.

این پژوهشگر گفت: امروز کمتر از این پوشش استفاده می‌شود، مگر در مناطق عشایرنشین و یا در مراسم‌ها، به همین دلیل این تن‌پوش در خطر فراموشی قرار گرفته است. با این وجود، مهارت دوخت آن در آبان ماه ۱۴۰۱ و به شماره ۲۷۰۳ در فهرست آثار ناملموس کشور ثبت شد تا برای حفظ آن تلاش شود.

## کشف دومین محوطه هزاره سوم مربوط به گورستان عصر برنز در اطراف بجنورد



سوخته، در مجاورت شهر سنخواست خراسان شمالی می‌باشد.

## توضیح موزه فرش درباره فرش‌های ناپدیدشده سعدآباد و ابهاماتی که باقیست

فرش داده نشده است.»

سعید سپهرزاد رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف معتقد است که فرش‌های ساختمان نهاد ریاست جمهوری در سعدآباد به موزه فرش ایران در چهارراه فاطمی انتقال داده شده‌اند.

چندی پیش خبر ناپدید شدن فرش‌های ساختمان حافظیه نهاد ریاست جمهوری در سعدآباد، در دولت سیزدهم به ارزش نسبی ۱۳۰ میلیارد تومان اعلام شد و با این توضیحات موزه فرش ایران به نظر ابهامات همچنان باقیست و موضوعی که در سال ۱۳۸۷ اتفاق افتاده، ارتباطش با مفقودی‌های مابین سالهای ۹۴ تا ۹۵ نامشخص است.

عزت‌الله ضرغامی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی درباره ناپدید شدن این فرش‌ها که برخی از آن‌ها دارای ارزش اعلام شده، گفته است: «درباره فرش‌های سعدآباد یک پرونده‌ای مربوط به سال‌های ۹۵ - ۹۴ است و با این که مربوط به این دوره نبوده، اما دستور بررسی آن را داده‌ام. حراست بعد از صحبت با نهادهای مختلف، گزارش مقدماتی ارائه کرد که هنوز قابل‌استناد نیست. من خواستم که اطلاعات آن را استخراج کنند، حتماً باید اطلاعات به نظر مردم برسد تا مسئله روشن شود، هم اصل قصه و هم کیفیت و چگونگی آن.»

پس از تأیید مفقود شدن ۴۸ تخته فرش نفیس از بخش نهاد ریاست جمهوری مجموعه سعدآباد مشخصاً ساختمان «حافظیه» و طرح ادعای رئیس اتحادیه فروشندگان فرش دستباف مبنی بر آن که «فرش‌ها از کاخ سعدآباد به موزه فرش ایران انتقال داده شدند»، موزه فرش ایران در این باره توضیحی ارائه کرد.

به گزارش ایسنا، موزه فرش ایران درباره فرش‌های ناپدیدشده ساختمان حافظیه سعدآباد که زیر نظر نهاد ریاست جمهوری است و انتقال آن‌ها به این موزه توضیحات کوتاهی را به این شرح منتشر کرد: در تاریخ ۲۹ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۷ دو تخته قالی از کاخ بوستان (نهاد ریاست جمهوری) به شماره اموالی ۵۱ - طبقه ۸ بافت مشهد و شماره اموالی ۷۷ - طبقه ۸ بافت بیرجند، هر دو با طرح شیخ صفی‌الدین (لچک ترنج) به موزه فرش ایران به طور امانی منتقل شد.

این فرش‌ها در تاریخ ۲۴ خردادماه سال ۱۳۹۵ به طور قطعی تحویل موزه شد و اکنون در این موزه قرار دارند.»

پیش از این، مهران صحرایی که به تازگی سرپرست موزه فرش شده است در اظهاراتی، انتقال فرش‌های ناپدیدشده بخش ساختمان حافظیه سعدآباد را به موزه فرش رد کرده و گفته بود: «در این سال‌ها هیچ فرشی آن هم در این تعداد (۴۸ تخته فرش) به موزه



## عکس روز:

## از قشاق تا کوچ برای بیلابق عشایر لرستان